

بازخوانی مکانیسم ماشه از استراتژی ایران تا فعال سازی آن

بازی ضددیپلماتیک تروئیکای اروپایی



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

صبحگاه پنجشنبه به وقت محلی و شامگاه همین روز به وقت ایران، تروئیکای اروپایی که پیشتر ضرب‌الاجل پایان ماه اوت(۳ شهریورماه) را برای حصول توافق با ایران بر سر پرونده هسته‌ای خود تعیین کرده بودند، ابلاغیه آغاز فرآیند سازوکار حل و فصل اختلاف در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ موسوم به مکانیسم ماشه را تقدیم شورای امنیت کردند و روز جمعه این پیش نویس در جلسه غیرعلنی شورای امنیت به همراه پیش‌نویس پیشنهادی روسیه و چین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. راهکاری که یک بار توسط ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ آزموده شده و به علت خروج آمریکای ترامپ از برجام با رای تاریخی اعضای شورای امنیت ابر مانده و نتیجه نداد اما این بار روی کاغذ، اعضای تروئیکای اروپایی این حق را مستند به بند ۳۷ برجام و بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ برای خود محفوظ و محق می‌دانند و شمشیر داموکلس را بالاخره پایین آورده و پیش از فرارسیدن پایان اکتبر که به صورت خودکار محدودیت‌های ایران وفق برجام ملغی‌الایر می‌شود، ماشه را چکانده و تیر خلاص را به برنامه جامع اقدام مشترک شلیک کردند. البته طرف‌های اروپایی در متن ارائه‌شده خود، فرصتی یک‌ماهه برای ایران جهت دستیابی به یک توافق هسته‌ای تازه قائل شده‌اند که از هم اکنون پرواضح است که یک اقدام صوری و فرمالیته بوده و روند و مسیر تحولات نشان و چشم‌اندازی از اراده طرفین برای پیشبرد دیپلماسی نتیجه‌گر و حصول توافق تازه باتوجه‌به‌یاده‌طلبی طرف‌های اروپایی که گوش به فرمان دولت ترامپ هستند، دیده نمی‌شود. در این یادداشت، از چند زاویه مروری خواهیم داشت و به مسیر تحولات منجر به راه‌اندازی فرآیند مکانیسم ماشه، ماهیت و چیرستی آن و تأثیر و تبعات آن، خواهیم پرداخت.

مکانیسم ماشه چگونه به برجام راه یافت

این روزها که تروئیکای اروپایی با گذشت ده سال از انعقاد برجام، به سازوکار حل و فصل اختلاف مندرج در بند ۳۷ برجام استناد کرده و خواستار بازگشت قطعنامه‌های شش‌گانه ضدایرانی شده است، سوال اصلی آن است که چرا چنین حقی برای آنان از سوی طرف ایرانی مذاکره کننده، قائل شده‌اند و آیا چنین بندی در ضدیت با منافع ایران نبوده و حاصل غفلت مذاکره‌کنندگان ایرانی است؟ نکته جالب در این میان این است که گنجاندن چنین سازوکاری در برجام، معطوف به بی‌اعتمادی ایران نسبت به طرف غربی و در راستای منافع ایران به برجام راه یافت. طرف ایرانی در آن برهه در ازای پذیرش محدودیت‌ها در برنامه هسته‌ای خود، خواستار لغو کلیه تحریم‌ها از نسوی طرف مقابل بود و لغو تدریجی و مرحله به مرحله در عمل عایدی نصیب ایران نمی‌کرد. اینگونه شد که طرف مقابل پذیرفت کلیه قطعنامه‌های ضدایرانی را وفق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ در اقدامی متقابل لغو کند اما بدیهی بود که طرفین برای عمل به تعهدات، تضمین و در واقع شرط فسخ می‌خواستند که در بند ۳۶ این بازگشت برای ایران لحاظ و در بند ۲۷ برای ۵+۱ این امکان فراهم آمد و از آنجایی که هیچ‌یک از طرف‌های مذاکره نمی‌خواستند اهرم تضمین خود را امنوط به رضایت طرف‌های دیگر کنند، حق ایفای وتو را از طرفین دیگر سلب کردند. ایران در سال ۲۰۲۰ با حق بازگشت خود که موسوم به مکانیسم ماشه است، بهره گرفت و غنی‌سازی را تا سقف ۶۰ درصدی افزایش داد و تروئیکای اروپایی اکنون با نزدیکی به فصل غروب برجام و لغو همیشگی همه قطعنامه‌ها به این اهرم متمسک شده است. در واقع سازوکاری که غربی‌ها آن را «مکانیسم ماشه» یا «اسنپک» می‌خوانند، ریشه در تضمین و پیش شرط فسخی است که در هر توافق و قراردادی در سطوح خرد و کلان در راستای عمل به تکالیف و تعهدات طرفین قرارداد گنجانده شده و اتفاقاً عطف به سیاست راهبردی و اصولی ایران در لغو متقابل همه

تحریم‌ها در ازای اقدامات تحدیدی ایران در برنامه هسته‌ای در برجام گنجانده‌شد.

مشروعیت اجراسازی مکانیسم ماشه

اگر ایران در سال ۲۰۲۰ در عمل ماشه را چکانده و مکانیسم ماشه را با حذف برخی محدودیت‌های مندرج در برجام در توسعه برنامه هسته‌ای و افزایش غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم خود عملیاتی کرد، این اقدام ایران، مدت‌ها بعد از خروج یکجانبه آمریکا، اعمال تحریم‌ها در فرآیند فشار حداکثری و عدم عمل به حداقل تعهدات از سوی طرف‌های اروپایی انجام پذیرفت و در حالی رقم خورد که آژانس در طول چند سال در یازده گزارش خود عمل به تمامی تعهدات طرف ایرانی را تأیید کرده بود به‌رغم آنکه آمریکا از برجام خارج و طرف اروپایی نیز نزدیک به ۲ سال ایران را سر دوانده بود، مضاف بر اینکه تمامی اقدامات ایران در افزایش سطح غنی‌سازی و ذخیره‌سازی اورانیوم، زیر نظر بازرسان آژانس انجام پذیرفته و ایران بارها تأکید کرده بود که در صورت عمل به تعهدات طرف غربی، اقدامات قابل بازگشت است. حال آنکه تروئیکای اروپایی نهنتا در طول همه این سالها به تعهدات خود وفق برجام عمل نکرده و طرف مشارکت‌کننده فعال نبوده که اکنون با استناد به برجام‌خواه‌ها خواستار اجرایی شدن مکانیسم ماشه و اسنپک شود، جالب آنکه در عمل با حمله ایالات متحده و بیمباران تاسیسات هسته‌ای ایران، در عمل وعینیت هیچ‌یک از قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت که جعلگی بر اعمال محدودیت در برنامه هسته‌ای ایران با اهرم فشار تحریم اشاره و تصریح داشتند و برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ که بر پایه پذیرش حق غنی‌سازی ایران و به رسمیت شناختن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران استوار و بنا شده است، در شرایط فعلی موضوعیت و مشروعیت و ما به ازای بیرونی ندارد که آنان خواستار بازگشت قطعنامه‌ها در شرایط فعلی و عطف به برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شوند که رکن زکین آن را نقض کرده‌اند.

آیا اسنپک پایان کار است؟

در ماجرای اخیر فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» هر چند اقدامات طرف اروپایی از حداقل مشروعیت اخلاقی به دور بوده و مغایر با اصول و ارکان حقوق بین‌الملل و حتی رویه‌های حقوقی مسبوق به سابقه است اما از آنجایی که منطق قدرت حرف اول و آخر را در مناسبات نظام بین‌الملل می‌زند، بدیهی است که این اقدام طرف‌های اروپایی با این فرآیند عملیاتی خواهد شد اما نکته بسیار کلیدی آن است که ایران با همراهی چین و روسیه می‌تواند تا حد بسیار زیادی تبعات تحریم‌های قطعنامه‌های شورای امنیت را خنثی کند، از آنجایی که اروپا و آمریکا در عمل هیچ مارهاده اقتصادی با ایران ندارند و فروش نفت ایران هم محدود به چین است و ایران عضو پیمان شانگهای و بریکس است، اگر این قدرت‌های دارای حق وتو، مجاب به همکاری با ایران در شرایطی شوند که بازگشت تحریم‌های ۱۵ سال پیش، اکنون کوچکترین مشروعیت و مقبولیتی ندارد، می‌توان تا حد زیادی از این انحصارطلبی و هژمونی ایالات متحده که پشت‌توانه آن قطعنامه‌ها بود، عبور کرد، کما اینکه جهان چندقطبی امروز بسیار متفاوت از آن سال‌هاست و آن وضعیت قابل تعمیم به شرایط فعلی نیست و ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات گذشته و لحاظ شرایط تازه راهکارهای مختلفی برای عبور از این محدودیت‌های تازه دست و پا کند، البته که در این میان نباید از ابتکارات تازه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی در مواجهه با طرف‌های متخاصم هم غافل شد. در نهایت باید گفت مهمترین عامل در مواجهه با این چالش تازه، حفظ انسجام و اتحاد ملی به خصوص در حوزه سیاست خارجی و مسائل مرتبط با منافع ملی در نظام بین‌الملل است. کاری که این روزها شاهد واکنش‌های وارونه و برعکس از آن در داخل هستیم و عده‌ای با نگرش‌های طیفی و جناحی به جای نقد زیاده‌خواهی طرف غربی، توپخانه را به سمت جبهه خودی گرفته و به جای دشمن، آتش به سمت خاکریز دیپلماسی ایرانی می‌ریزند و اسکان هرگونه ابتکار عمل و تغییر در معادلات را در دیپلمات‌های ایرانی سلب می‌کنند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

گمانه‌زنی درباره آنچه پس از فعال شدن مکانیسم ماشه رقم می‌خورد

۳۰ روز مهلت داریم

شده و مراحل آن به‌طور کامل طی شده است،» عراقچی در بخش دیگری از نامه، نسبت به پیشنهاد تروئیکا برای تمدید محدود بر خی مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ هشدار داد و تأکید کرد: «قطعنامه ۲۲۳۱ باید در «روز انقضا» مطابق جدول زمانی پیش‌بینی‌شده، پایان یابد. هرگونه تلاش برای تمدید مفاد آن، اقدامی مغایر با هدف قطعنامه است و موجب ایجاد رویه‌ای ناصواب در عملکرد شورای امنیت و افزایش شکاف‌های داخلی در آن خواهد شد.» وی تصریح کرد که در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن منافع عالیه ملی خود، واکنشی قاطع و متعادل نشان خواهد داد.

در پایان نامه، وزیر خارجه کشورمان، آمادگی ایران برای شرکت در روند موثر دیپلماتیک را یادآوری کرد و از اعضای شورای امنیت خواست تا

با رد دغل کار‌های سیاسی ناروا، نسبت به صبات از حقوق بین‌الملل و مرجعیت شورای امنیت اهتمام ورزند.

اقدام اروپا به نمایندگی از آمریکا و اسرائیل

عراقچی متن جداگانه‌ای نیز در حساب توئیتری خود منتشر کرد. او نوشت: «سه کشور اروپایی، به نمایندگی از اسرائیل و ایالات متحده، تصمیم گرفته‌اند به‌طور مغرضانه فشار بر مردم ایران را دنبال کنند. این اقدام نسنجیده - که ایران به‌شدت نسبت به آن هشدار داده است - غیراخلاقی، غیرموجه و غیرقانونی است. ایران به اروپا، که از سوی ایالات متحده در تمامی مسائل جهانی - حتی در مورد اوکراین در نزدیکی مرزهای خود - کنار گذاشته شده است، توجه می‌دهد که نباید خود را با توهم استفاده از سازوکار اسنپک به‌عنوان اهرمی برای ایفای نقش در حداقل یک حوزه (برنامه هسته‌ای ایران)، فریب دهد. ایران به‌صراحت اعلام کرده است که دنبال کردن این مسیر، سه کشور اروپایی را (در رابطه با ایران) به نیروبی کاملاً بی‌اثر و تاریخ‌گذشته تبدیل خواهد کرد. به‌طور نگران‌کننده‌ای، سه کشور اروپایی اکنون این اقدام بی‌پروای خود را به‌عنوان تلاشی برای «پیشبرد دیپلماسی» توجیه می‌کنند.»

وزیر امور خارجه با اشاره به جنگ اخیر ادامه داد: «اینکه اروپا اکنون ایران را متهم به ترک میز مذاکره و رد گفت‌وگو می‌کند، مشمژکننده است. اقدامات سه کشور اروپایی عملاً به نفع متجاوز و به ضرر قربانی است. ایین ایالات متحده بود، نه ایران، که در سال ۲۰۱۸ به‌صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد و تحریم‌ها را بازگرداند. این اروپا بود، نه ایران، که نتوانست به تعهدات خود برای کاهش تأثیرات اقتصادی خروج آمریکا عمل کند. همچنین ایین اروپا بود، نه ایران، که نه‌تنها در روز انتقال (اکتبر ۲۰۲۳) به تعهدات خود عمل نکرد، بلکه تحریم‌های غیرقانونی جدیدی را بر صنعت هوانوردی غیرنظامی و حمل‌ونقل دریایی ایران اعمال کرد.»

عراقچی در پایان نوشت: «همان‌طور که به‌صراحت بیان کرده‌ام، تصمیم

گزارش دو

اولین واکنش تندروهای مجلس به فعال شدن مکانیسم ماشه

طرح سه‌فوریتی برای خروج از NPT

او با اشاره به ماده‌واحده این طرح، گفت: «ماده‌واحد- از تاریخ تصویب این قانون ایران از معاهده پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و پروتکل الحاقی آن خارج و قانون پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مصوب ۲۲ دی‌ماه ۱۳۴۸ را اصلاحات و الحاقات بعدی نسخ می‌شود. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است به‌منظور اقدام متقابل در برابر نقض تعهدات طرف‌های آمریکایی و اروپایی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) باتوجه‌به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت‌سازمان‌ملل بلافاصله‌ضمن خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) اجرای تمامی الزامات ذیل این پیمان را ملغی و انجام هرگونه مذاکره با آمریکا و سه کشور اروپایی ناقض برجام را قطع و کلیه همکاری‌های نظارتی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خاتمه دهد.»

تاریخچه اعلام خروج از NPT در مجلس

البته پیش از این نیز خروج از NPT در مجلس مطرح شده بود. بهمن سال ۱۳۹۸ طرحی در مجلس شورای اسلامی دهم با امضای ۱۹ نماینده اصولگر اعلام‌وصول شد، اما خروج عملی از NPT صورت‌نگرفت. این طرح به‌ویژه پس از افزایش تنش‌ها در روابط بین‌الملل و در واکنش به اقدامات برخی کشورهای غربی، از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی، در دستور کار قرار گرفت. در آن زمان، برخی نمایندگان مجلس با امضای طرحی دوفوریتی، خواستار خروج ایران از NPT شدند. این اقدام به‌عنوان واکنشی به فشارهای بین‌المللی و نقض تعهدات طرف‌های مقابل در برجام مطرح گردید. ۸ بهمن ۱۳۹۸: احمد امیرآبادی‌فراهانی، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجلس اعلام کرد: «طرح خروج ایران از NPT به هیئت‌رئیس تقدیم شده و برای بررسی بیشتر به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شده است.» متن کامل این طرح و اسامی امضاکنندگان آن ۱۲ بهمن ۱۳۹۸ منتشر شد و سیدامیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی، احد آزادخواه، حسین مقصودی، نادر قاضی‌پور، سیدراضی نوری، جواد کریمی‌قوسوی، سیدجواد ساداتی‌نژاد، محمود بهمنی، حسن نوروزی، صدید بدری، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، ابوالفضل ابوترابی، محمدابراهیم رضایی، سیدناصر موسوی‌لارگانی، محمدعلی پورمختار، محمود شکری، رسول خنری، حسینعلی شهرباری

گروه خبر: سه کشور اروپایی عضو برجام، نامه آغاز روند بازگشت قطعنامه‌های تحریمی ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کردند. در این نامه بدون اشاره به روند طی شده از زمان خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برجام در دوران دونالد ترامپ، عدم انجام تعهدات طرف اروپایی و بیش از یک سال صبر ایران برای به‌ثمر نشستن این وعده‌ها تا کاهش دادن تعهدات برجامی، ایران به نقض توافق هسته‌ای متهم شده است.

اروپا واقعیت را تحریف می‌کند

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان از زمان اعلام رسمی این اقدام طرف‌های اروپایی، چند اقدام سیاسی و رسانه‌ای انجام داد. او یک تماس تلفنی مشترک با وزرای خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان به همراه کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا داشت که برای اعلام تصمیم اروپا به تهران انجام شده بود. همچنین در تماسی جداگانه با کالاس نیز به رایزنی پرداخت. او یک نامه رسمی خطاب به او، به عنوان هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام نیز نوشت که رونوشت آن به دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس دوره‌ای و اعضای شورای امنیت نیز ارسال شد.

عراقچی در نامه‌ای رسمی خطاب به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، رئیس دوره‌ای شورای امنیت و اعضای این شورا به ادعاهای تروئیکای اروپایی واکنش نشان داد. وزیر خارجه ایران، ادعای تروئیکا مبنی بر اینکه «ایران تنها در ژوئیه ۲۰۲۰ سازوکار حل‌وفصل اختلافات را فعال کرده است» با این هدف که اقدامات جبرانی ایران را بی اعتبار جلوه داده، توالی رویدادها را تحریف نمایند، را رد کرده و یادآور شد: «جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۰ مه ۲۰۱۸، به‌طور رسمی و مستند، این سازوکار را فعال کرد و به‌دنبال آن، نشست‌های متعدد کمیسیون مشترک در سطوح مدیران سیاسی (۲۵ مه) و وزرای خارجه (۶ ژوئیه) برگزار شد. این روند، کاملاً در چارچوب بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام و حقوق مشروع ایران انجام گرفت.»

اهمیت توالی زمانی اقدامات: «تروئیکا تلاش دارد توالی رویدادها را وارونه جلوه دهد تا اقدامات جبرانی ایران را بی اعتبار کند. اما آن‌ها خود به‌طور تلویحی ادعان کرده‌اند که ترتیب زمانی فعال‌سازی سازوکار از سوی طرف‌ها حائز اهمیت است. بنابراین این می‌توان اقدامات جبرانی را علیه اقدامات جبرانی پیشین یک طرف دیگر مطرح کرد.»

ادعای نیاز به اجماع برای شناسایی فعال‌سازی سازوکار: «تروئیکا مدعی است که برای فعال‌سازی سازوکار حل اختلافات باید اجماع اعضای برجام وجود داشته باشد. عراقچی این ادعا را فاقد وجاهت می‌داند و تأکید می‌کند تنها فعال‌سازی معتبر و کامل، همان اقدام ایران در مه ۲۰۱۸ بوده است که از سوی کمیسیون مشترک نیز به رسمیت شناخته

گروه خبر: بالاخره سه کشور اروپایی ماشه را چکاندند و اسنپک فعال شد. در مقابل نمایندگان مجلس نیز از مطرح شدن سه فوریت خروج از NPT خبر دادند. در مجلس موضوع خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در قالب یک طرح سه‌فوریتی مطرح شد که بنا بر گزارش‌ها در ۷ شهریور ۱۴۰۴ آغاز شد و آنطور که برخی از نمایندگان اعلام کرده‌اند این سه‌فوریتی آنقدر حساس است که «در هنگام بررسی طرح سه فوریتی در صحن مجلس، اعضای شورای نگهبان نیز در مجلس شورای اسلامی حاضر می‌شوند تا در صورت تصویب، عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی بررسی و نظر خود را اعلام کنند.»

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، در این باره گفت: «ندوین طرح سه‌فوریتی در دستور کار قرار گرفته و قرار است در فردای همان روز در سامانه مجلس بازگذاری شود تا در جلسات علنی هفته آینده روند قانونی بررسی و تصویب آن طی شود. این اقدام به‌عنوان واکنشی به نقض تعهدات طرف‌های آمریکایی و اروپایی در برجام و به‌منظور تقویت موقعیت ایران در معادلات بین‌المللی مطرح شده است.» ساده‌واحده این طرح، ایران را موظف می‌کند که فوراً از NPT و پروتکل الحاقی آن خارج شود، اجرای تمامی الزامات این پیمان را متوقف کند، هرگونه مذاکره با آمریکا و سه کشور اروپایی را قطع نماید و همکاری‌های نظارتی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خاتمه دهد. این اقدام مجلس، به‌عنوان یک واکنش قاطع به فشارهای بین‌المللی و نقض تعهدات طرف‌های مقابل، می‌تواند مسیر سیاست خارجی کشور را به‌طور بنیادین تغییر دهد و جایگاه ایران را در نظام بین‌الملل تقویت کند.»

نایب رئیس اول کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تأکید کرد: «در نامه سه کشور اروپایی عضو برجام سونیت و فشار بر جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود و در ایام جنگ ۱۲ روزه نیز رفتار این کشورها دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد، لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام متقابل و قاطعی نسبت به رفتار این کشورها انجام دهد. در همین راستا طرح خروج ایران از معاهده پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و پروتکل الحاقی آن با قید سه فوریت جهت طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.»



ادامه سر مقاله

روشن است که اینها نمی‌توانند خواسته‌های مردم را نمایندگی کنند. اگر دولت نیز با آنان همسو باشد مشکل زیادی پیش نمی‌آید با یکدیگر سازگار هستند و مسیر مشترک خود را می‌روند. ولی مواردی پیش می‌آید که ماجرا متفاوت می‌شود. به این معنا که به علل گوناگون مجبور می‌شوند فیلتر نظارت استصوابی را در انتخابات ریاست‌جمهوری تا حدی بکشایند در نتیجه خروجی آن به کلی متفاوت با ماهیت مجلس می‌شود ولی مجلس چون نماینده اقلیت محض است در قانون‌گذاری و تأیید وزرا سیاستی مغایر با دولت و مردم در پیش می‌گیرد در نتیجه به جای هم‌افزایی قوانینال به‌وجود می‌آید. مجلس برای خود اختیاراتی قائل است که آن را بدون توجه به دولت و مردم تبدیل به قانون می‌کند. دولت هم چون متعهد به رای‌دهندگان مردم است نمی‌تواند آن را اجرا کند در نتیجه شکاف بزرگی پدید می‌آید که دودان به چشم مردم می‌رود و متأسفانه خواهد رفت. مشکل مهم و دیگر نمایندگان این است که ابزاری اصلی آنان قانون‌گذاری است. لذا برای همه چیز می‌خواهند قانون‌بگذارند، نه از طریق لایحه دولت، بلکه با تصویب طرح قانونی که با امضای چند نماینده ۳ درصدی پیشنهاد می‌شود، این کار را انجام می‌دهند. در حالی که در اغلب موضوعات کشور به‌ویژه روابط خارجی فاقد اطلاعات و توان کارشناسی هستند و منطقاً نباید دخالت کنند و دست دولت را در پوست گردو بگذارند. نتیجه این

کار آنان همین دعوی اخیر می‌شود که دولت سیاست خودش را انجام می‌دهد. اصولاً هنگامی که نمایندگان ۳ درصدی به خود حق می‌دهند که با طرح قانونی و بدون نظر مستندل، قانون‌گذاری کنند دیگران هم مجبور می‌شوند که آن را دور بزنند. اینکه مجلس حق قانون‌گذاری دارد متفاوت از این است که در هر زمینه‌ای و بدون نظر دولت می‌تواند قانون بنویسد. نمایندگان مجلس پز انقلابی می‌گیرند ولی چون حرف‌شان در عرصه عمومی مورد توجه مردم نیست، در نتیجه به راحتی می‌توان مصوبه را نادیده گرفت. در واقع اجرای چنین مصوباتی مصداق تکلیف مالایطاق می‌شود. یعنی وظیفه‌ای که در توان اجرای دولت نیست. مثل مصوبه حجاب که بایگانی شد. این سیاست مجلس، علیه دولت و شورای عالی امنیت ملی تلقی می‌شود و نه علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. در واقع اگر شمام و دولت با حضور سران قوا به این نتیجه برسند که از NPT خاج شوند آن را عملی می‌کنند و در صورت ضرورت لایحه‌اش را هم به مجلس می‌دهند و اگر به چنین نتیجه‌ای نرسند مجلس، به‌ویژه این مجلس در جایگاهی نیست که آنان را از این سیاست منع کند. تجربه گذشته هم نشان‌دهنده همین واقعیت است. اکنون که در آستانه ماجرای اسنپک هستیم، گوشش برای تقویت طرح‌هایی که هیچ نتیجه‌ای جز بستن دست شعاع و دولت ندارد علیه منافع ملی کشور است.